



گفت‌وگوی صبا با عوامل فیلم سینمایی «آذر هفت صبح»

## در تقاطع انتخاب و اتفاق

بله متأسفانه من مجبور شدم که خودم فیلمبرداری کنم و احتمالاً هیچ کارگردانی دوست نداشتی که در جایگاه کارگردان است و قرار است حس‌ها و بازی‌ها را ببیند و چیزهای دیگری اولویتش است در جایگاه فیلمبردار هم بایستد بنابراین از روی اجبار این بخش را نیز بر عهده گرفتم. ما فیلمبرداری داشتیم که چهار پنج شب با ما همراه بودند و بعد به بهانه اینکه کم‌شان درد می‌کند گروه را ترک کردند و ما متوجه شدیم که سر کار دیگری رفته‌اند و روی پروژه دیگری کار می‌کند. اینگونه بود که مجبور شدم خودم این کار را در کنار دیگر اعضای گروه فیلمبرداری پیش ببرم و به نظرم کار در این بخش خیلی آسیب دید چون میزانشن‌ها و دکوپاژهای دیگری در ذهنم بود و زمانی که پشت دوربین قرار می‌گیرید قاعدتاً بخشی از داستان در می‌رود. مخصوصاً وقتی که فیلم را به صورت مستقل می‌سازید زمان بسیاری از کارها را ندارید و باید از یک سری چیزها بگذرید و این اتفاقی بود که به نظرم خیلی به فیلم آسیب زد و کار را سخت کرد.

**صحنه‌های کاراکتر راننده تاکسی دوم سکانس پر تنشی است در باره قالب اجرایی آن بگویید.**

آن سکانس نزدیک ۲۵ دقیقه بود که من در تدوین‌های مختلف کوتاهش کردم و همان فرمی که در فیلم بود را سعی کردم در این سکانس رعایت کنم و هر جایی که خیلی سریع می‌شد ما شاهد یک فلش‌فوروارد در خود سکانس برای خود سکانس بودیم و خیلی سریع و با فریم‌زدی و فرم‌های سیاه می‌دیدیم که چه اتفاقی افتاده و بعد کات می‌خورد و ما دوباره آن اتفاق را در همان سکانس می‌دیدیم. من سعی کردم در آن سکانس فرم را رعایت کنم و احساس می‌کنم مخصوصاً و مشخصاً آن سکانس نیاز داشت که آن قالب و فرمی که در طول فیلم هست در آن رعایت شود. چون من می‌توانستم آن سکانس را به صورت رئال تدوین کنم اما فکر می‌کنم شکل تدوین مان به آن تنش میان کاراکترها و گسستگی‌ای که پرسوناژها در آن سکانس تجربه می‌کنند

متوالی رخ می‌دهد.

**در طول فیلم سه کاراکتر جانبی داریم که با دخالت‌ها یا بهتر بگوییم کنکاش بی‌موردشان موقعیت‌های فیلم را به مرحله فاجعه بار می‌کشانند. از این سه کاراکتر و انتخاب نسلی متفاوتشان بگویید.**

یکی از مسائل جذابی که در اکران این فیلم با آن مواجه شدم این بود که مخاطبان فیلم را یک اثر به روز می‌دانستند و به اتفاق فیلمنامه، نوع روایت و تدوینش را دوست داشتند و می‌گفتند که انگار فیلم همین امسال کار شده است و حس نمی‌شود که اثری مربوط به ۷ سال پیش است. دلیل ورود این سه کاراکتر به فیلمنامه تماماً بر حسب اتفاق است و آنها اتفاقی وارد داستان زندگی این پنج جوان می‌شوند. اما در مورد تفاوت سنی آنها باید بگویم که نسل Z و نسل جدید از لحاظ فکری بسیار متفاوت از نسل‌های قبل خود هستند و این در حالی است که آن سه کاراکتر یعنی مرد همسایه و دو مرد که راننده تاکسی هستند نوع تفکر و دنیای متفاوتی دارند و هنوز بسیاری از مسائل که برای این نسل حل شده برای آنها تابو است.

**به نظر تدوین روی طرح کارگردانی تاثیرگذار بوده، آیا به همین فرم در فیلمنامه هم رسیده بودید؟**

من از اساس فیلمنامه را به صورت غیر خطی نوشتم، در مونتاژ تغییراتی انجام دادم و بخش‌هایی را بیشتر کردم و بخش اعظم سکانس‌هایی که در فیلم می‌بینید در فیلمنامه هم به همین شکل است. به همین علت خیلی وقت‌ها بچه‌ها از آنجایی که مونتاژ را نمی‌دیدند بر ایشان سوال برانگیز می‌شد اما این به نفع من بود چون می‌توانستم آن حس و حالی که می‌خواهم را بهتر در بیاورم.

**فیلمبرداری کار را خودتان بر عهده گرفته‌اید و به عنوان اولین فیلم سینمایی تصور برداری در حین کارگردانی سختی کار را برای تان دو چندان نکرد؟**

مریم عظیمی  
گفت و گو

اکران فیلم سینمایی «آذر هفت صبح» به کارگردانی مسعود فرجام و تهیه‌کنندگی آرش رضانی اینانی از هفت آذر در سینماهای هنر و تجربه آغاز شده است. روشنک گرامی، شقایق و آذر خوش‌فراهانی، سام حسامی، آزاده سدیری و الهه افشاری از دیگر بازیگران اصلی این فیلم هستند. این فیلم که هفت سال پس از ساخت به اکران رسیده به مجموعه‌ای از اتفاقات و انتخاب‌ها که زندگی ۵ جوان را زیر و رو می‌کنند می‌پردازد. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

**آرش رضانی اینانی، تهیه‌کننده:**

**فیلم‌سازی این روزها بسیار سخت شده است**

**لطفاً در مورد فیلم «آذر هفت صبح» برای مان بگویید.**

«آذر هفت صبح» یک فیلم اجتماعی است و به زندگی ۵ جوان می‌پردازد که به واسطه رفتن به یک مهمانی و یک انتخاب اشتباه، مسیر زندگی‌شان تغییر می‌کند و دیگر به حالت قبل باز نمی‌گردد و دچار چالش‌های بسیار زیادی می‌شوند که امروزه معضل بسیاری از جوان‌ها هست و ما در این فیلم حسش می‌کنیم.

**همکاری شما با کارگردان فیلم به کجا برمی‌گردد؟**

آقای فرجام از دوستان من و یکی از تدوینگران بسیار خوب سینما هستند و ما از طریق روال تدوین با هم آشنا شدیم. مسعود فرجام یک فرد خلاق است که روی کارش انرژی زیادی می‌گذارد و بسیار نکته‌بین است و اگر تا این لحظه موفقیتی حاصل شده و نتیجه خوبی گرفته‌ایم همه را مدیون زحمات و ریزبینی‌های ایشان هستیم.

**در این پروژه به لحاظ تهیه‌کنندگی با چه چالشی روبرو بودید؟**

خوب ۷ سال طول کشید تا این فیلم اکران شد و این نشان دهنده چالش‌های بسیار زیاد بر سر راه این پروژه است. ما در زمان تولید هم با موضوعات مختلفی روبرو شدیم. فکر می‌کردم که چون فیلم اولم هست با چنین چالش‌هایی روبرو هستم اما دیدم که فیلم‌سازی این روزها بسیار سخت شده است و بعد از ساختش نیز چالش‌هایی وجود دارد که انرژی و زمان زیادی از شما می‌گیرد. اما ما پادر مسیری گذاشته بودیم که باید تمامش می‌کردیم. بحث شرایط جوی و گاهی همکاری نکردن عوامل فیلم برای ما چالش‌هایی ایجاد می‌کرد و بعضی اوقات مجبور می‌شدیم با تاخیر زیاد کار را ضبط کنیم اما خوشبختانه تنها بخشی که هیچ مشکلی نداشتیم باز بگره بودند که خیلی حرف‌های و درجه یک کنارمان ایستادند. حتی زمانی که با چالش‌هایی روبرو می‌شدیم خیلی با آرامش و دوستانه همراهی می‌کردند تا بتوانیم کار را به اتمام برسانیم و من از همین جاز همه آنها تشکر می‌کنم.

**خوشبختانه نام یک سرمایه‌گذار هم در کنار این پروژه هست که مسلماً بخشی از سختی تولید را کاهش داده در این مورد بگویید.**

سرمایه‌گذار کار امیر پرهیز کار و از دوستان خوب من هستند که لطف و اعتماد کردند و کار را با هم شروع کردیم و با تمام ماجرا و اتفاقاتی که پیش آمد عقب ننشستند و همواره حمایت و لطفشان را تا آخرین لحظات در کنارمان داشتیم.

**مسعود فرجام، کارگردان:**

**فیلمنامه را به صورت غیر خطی نوشتم**

**از ایده، نام فیلم و مدت زمان فیلمبرداری آن بگویید.**

بخش کوتاهی از این اتفاق فیلم برای خود من رخ داد و من دیدم که چقدر جالب است و پتانسیل این را دارد که به یک قصه جذاب تبدیل شود. سال ۹۵ که این خرده داستان در یک تاکسی برای من رخ داد دقیقاً در یکی از روزهای آذر ماه بود و طرح فیلم هم در آذر ماه نوشته شد از طرفی اسم فیلم مرتبط با پرسوناژهای اصلی فیلم است که قرار است مهاجرت کنند و در کنارش خرده داستان‌ها و پیرنگ‌هایی و چند شخصیت فرعی که به فیلم اضافه می‌شوند باعث می‌شوند که کاراکترهای اصلی تصمیمات اشتباهی بگیرند و زندگی‌شان رو به نابودی برود. بنابراین این اسم بیشتر به داستان مرتبط است و همانگونه که در ابتدای فیلم در یک دیالوگ مسئله مهاجرت دو کاراکتر داستان در یکی از روزهای آذر ماه مطرح می‌شود. از آنجایی که فیلم‌های مستقل شرایط تولیدی و مالی ایده‌آلی ندارند مجبورند پروژه را خیلی سریع جمع کرده و از بسیاری خواسته‌هایشان چشم‌پوشی کنند. ما این فیلم را در ۲۰ جلسه فیلمبرداری کردیم و تمام مدت فیلمبرداری‌ها نیز در شب می‌گذرد و تنها یک سکانس داریم که در روز است. فیلم به صورت غیر خطی روایت می‌شود و اتفاق در دو شب